

# داستان جدید یک شهر

فاطمه حامدی خواه - «داستان یک شهر» عنوان سریالی است که این روزها از شبکه پنج سیما در حال پخش است. سریالی که ادامه‌ای بر یک سریال پر مخاطب دهه هشتاد ساخته اصغر فرهادی است و بعد از گذشت دو دهه با تصمیم مدیران این شبکه، فصل سوم آن مبتنی بر قصه‌های دراماتیک که از دل برنامه مستند «در شهر» بیرون کشیده شده است ساخته شد. ساخت فصل جدید «داستان یک شهر» برای یک سریال موفق که نام یک کارگردان شناخته شده همراه با بازیگران حرفه‌ای را بر پیشانی خود دارد، کاری بس دشوار است ولی با این وجود دینا بر تجارت موجود به نظر می‌رسد اگر موانع غیر منطقی و نادرست از پیش بای تولیدکنندگان و سازندگان آثار نمایشی برداشته شود این ظرفیت وجود دارد که آثار حرفه‌ای و پر مخاطبی تولید شود که مخاطبان برای دیدن هر قسمت آن لحظه شماری کنند.

پیمان عبلسی نویسنده «داستان یک شهر» و عزت‌الله رضایی فریاز بگر نقش «عموصفر»، به بهانه بخش جدید این سریال گفتگویی باروزنامه صبا انجام داده‌اند و از چالش‌های این سریال صحبت کرده‌اند.

## پیمان عبلسی:

### انعکاس وقایع روز جامعه در قالب یک سریال فصله مردم با تلویزیون را کلهش می‌دهد

پیمان عبلسی نویسنده فیلمنامه این سریال جدید است که در کارنامه هنری او فیلمنامه فیلم‌ها و سریال‌هایی از جمله «صحنه جرم»، «جنون»، «مسیر انحرافی»، «بچه‌های نسبت‌بند»، «قلب یخی»، «زن بدلی»، «قتل آنلاین»، «روز سوم»، «ساعت ۲۵»، «صحنه جرم ورود ممنوع»، «توفیق اجباری»، «پر تقال خوبی»، «بی خداحافظی» و «شیطان شوالرلی می‌پوشد» دیده می‌شود و با وجود همه امیدهایش به توفیق و دیده شدن این سریال، حالا بر این باور است که آن چه انتظار داشت، اتفاق نیفتاده است و هیچ بازخوردی را از سوی مخاطبان تلویزیون مشاهده نمی‌کند که دلیل اصلی آن را هم قهر مخاطبان با تلویزیون و همچنین ساعت پخش نامناسب و محدودیت‌های بخش شبکه پنج برای شهرستان‌ها می‌داند. او پرداختن به این سریال در فصل سوم را عقبه برابری که داشته است کاری پرریسک و نوعی خودزنی می‌داند و با علم به همه این مسائل تصمیم گرفته شد که این سریال ساخته شود و همچنان معتقد است که این سریال با وجود همه مسائلی که دارد می‌تواند همچنان در فصل‌های بعدی ادامه پیدا کند.

### آقای عبلسی در باره لزوم ساخت این سریال در فصل سوم بگوید که چگونه شکل گرفت؟

به نظر من یکی از اشتباهات سازمان صداوسیما این بود که در طول همه این سالها اقدام به ساخت فصل سوم این سریال نکرد و فاصله زیادی بین فصول قبلی و کنونی افتاد و از این جابه‌جایی فرصت را غنیمت بشمارد و باز هم روی آن کار کند.

این سریال برخلاف سریال‌های دیگر که باید قصه جذابی برای آن پیدا کنند، انعکاسی واقعی از مسائل ریز جامعه است با اتوپی از قصه‌ها که هر روز به آن اضافه می‌شود. هر روز حوادث و اتفاقات دراماتیک در این شهر بزرگ به وجود می‌آید و انعکاس این وقایع واقعی در قالب یک سریال، فاصله‌ای را که بین مردم و تلویزیون افتاده است می‌تواند آرام‌آرام کمتر کند. متأسفانه تلویزیون برخی مسائل را وانمود می‌کند که وجود خارجی ندارد در حالی که مردم می‌دانند این مسائل در جامعه هست و ما هم در قالب سریال می‌گوییم که بلبه هست و برایش راهکار آرایه می‌دهیم و به این ترتیب وقتی مردم انعکاس بخشی از مسائل و اتفاقات ریز جامعه را در این سریال مشاهده کنند، فاصله خود را با تلویزیون کمتر می‌کنند. من سریال اصغر فرهادی را دیده بودم و زمانی که این موضوع پیشنهاد شد، استقبال کردم و مدتی با بچه‌های برنامه «در شهر» همراه شدم و از نزدیک دیدم که چه دربرای عجیبی از ایده‌ها و وقعه‌ها دارند.

### این فصل سوم در ادامه یک سریال قدیمی پر مخاطب با کارگردانی اصغر فرهادی و بازیگران حرفه‌ای ساخته شده که به نظر کار پرریسکی می‌آید، این طور نیست؟

پرریسک کلمه کوچکی برای آن است. به نظر من نوعی خودزنی بود. ما می‌دانستیم که هر چه بسازیم باز هم در نهایت همه خواهند گفت افتضاح است و همان فصل‌های قبلی بهتر بود.

ما با این فرض که نمی‌توانیم با جای پای فرهادی بگذاریم کار را شروع کردیم. این در حالی است که ما امروز نسبت به زمانی که آقای فرهادی فصول اول این سریال را ساخت با محدودیت‌های تلویزیونی بیشتری هم روبرو هستیم و بسیاری از بازیگران فصول قبلی نیز امروز

هر کدام یک ستاره سینما هستند. ما با علم به همه این مسائل دست به ریسک زدیم که یک تغییر ایجاد کنیم و برایش تلاش کردیم.

### باز خورده‌ها چطور بود؟

خوب نیست و در حدی که انتظار داشتیم نبود. یعنی در واقع هیچ بازخوردی نبود و واکنش‌ها از سوی مخاطب خیلی کم بود. چون مردم با تلویزیون قهرند و اصلاً سریال تماشا نمی‌کنند. من چند سال پیش که سریال «بچه‌های نسبت‌بند» را در شبکه یک کار کرده بودم اصلاً نمی‌توانستم در خیابان راه بروم. مردم دلم دربارۀ آن زمین‌سوال می‌کردند. اما برای این سریال واکنش چندانی ندیدم. البته یکی از دلایل دیده نشدن این سریال این است که شبکه پنج در بسیاری از شهرستان‌های کشور پخش ندارد مگر این که مردم تلویزیون دیجیتال داشته باشند و ساعت پخش آن هم تلفتسب است.

### این سریال روی مسائل و اتفاقاتی متمرکز است که شاید خارج از تحمل و حوصله مردم امروز باشد که با مشکلات زیاده‌روی زندگی دست و پنجه نرم می‌کنند. فکر می‌کنید این موضوع در جذب مخاطب برای این سریال تأثیر گذار بوده است؟

به نظر من خیر. به این دلیل که سریال از همان ابتدا تکلیفش را با مردم روشن می‌کند که کم‌دی است یا ملودرام یا اجتماعی.

من فکر می‌کنم چیزی که مردم به آن نیاز دارند، صداقت و صداوسیما در انعکاس واقعی شرایط روز است. دلیل این که مردم به فضای مجازی روی آورده‌اند همین اخبار صادقانه‌ای است که دست به دست می‌شود و برای همین دیگر به اخبار تلویزیون اعتماد ندارند. سریالی که درباره درد مردم حرف بزند و مردم بتوانند مسائل و مشکلاتشان را در قالب یک سریال ببینند، با آن هم‌ذات‌پنداری می‌کنند. به نظر من شاید اگر این سریال کمی بهتر نوشته و ساخته می‌شد و از یک شبکه سراسری هم پخش می‌شد، می‌توانست اتفاقات بزرگی را ایجاد کند. من به این سریال روی کاغذ خیلی امید داشتم اما نتیجه در حد انتظار نبود چون مردم با تلویزیون قهرند و هیچ سریالی را چه کم‌دی و چه ملودرام تماشا نمی‌کنند.

### شخصیت‌ها و فضای فیلمنامه شباهتی با فیلمنامه اصغر فرهادی دارد؟

هیچ شباهتی وجود ندارد. فرهادی هم وقتی فصل دور ساخت فضای کارش را تغییر داد. در سریال آقای فرهادی محوریت اصلی قصه درباره زندگی و مسائل بازیگران و گزارشگران آن نیست و بازیگرانش هم در دو فصل تغییر می‌کنند. در فصل سوم هم گزارشگران تیم برنامه «در شهر» وقایعی را گزارش می‌کنند اما تفاوت ساختاری آن با سریال آقای فرهادی این است که قصه‌روی مسائل زندگی این تیم متمرکز است و من سعی کردم که مخاطب نه فقط به خاطر وقایع هر قسمت بلکه به خاطر خط اصلی داستان آن را دنبال کند.

### فکر می‌کنید علت موفق بودن سریال آقای فرهادی در دهه هشتاد چه بود؟

گذشته‌ها حضور آقای فرهادی و بازیگران خوبی که هر کدام امروز یک ستاره‌اند. در آن زمان محدودیت‌های تلویزیون برای نمایش کمتر بود و تنهاسرگرمی مردم همین تلویزیون بود. اما امروز با وجود پلتفرم‌ها و سریال‌های خارجی متعدد مردم قدرت انتخاب بیشتری دارند.

### چه بخشی از فیلمنامه بر اساس واقعیات مستند «در شهر» نوشته شده و چه بخشی زآییده تخیل شماست؟

بیشتر از هشتاد درصد آن بر اساس واقعیات مستند است و مافقط آن را دراماتیک کردیم.

### زمان نوشتن و خلق هر یک از کارکترها، بازیگر مناسب آن را هم در ذهن تان تصور می‌کنید؟

معمولاً برای این که بتوانم همه چیز را در ذهنم تصویر کنم برای کارکترها، بازیگر مناسب در ذهنم دارم. مثلاً کارکتری هست در این قصه که بسیار شبیه زنده‌یاد علی طباطبایی بود و من هر گاه چشمم را می‌بستم علی طباطبایی را تصور می‌کردم.

به تهیه کننده و کارگردان گفتیم که بگر دید و بازیگری مثل علی را پیدا کنید که در نهایت این نقش به امین ایملی رسید که چندین برابر علی است و به‌طور کلی شکل دیگری این کارکتر را بازی کرد.

امابه‌ها حال، انتخاب بازیگر کار بسیار سختی بود چون بر آورد این سریال بسیار کمتر از یک سریال معمولی بود در حالی که حدود ۳۰۰ بازیگر و ۴۶۰ لوکیشن داشتیم و بنابراین با پرداخت دستمزدهای بالا برای بازیگران حرفه‌ای امکان نداشت این پروژه به نتیجه برسد. بنابراین از دوستان بازیگر نداشتیم استفاده کردیم و شاید اگر این‌ها بازیگران حرفه‌ای‌تری بودند، می‌توانست سریال جذاب‌تری باشد.

### فکر می‌کنید این سریال جدید ظرفیت ساخته شدن در فاز دیگری را هم دارد؟

با قاطعیت بگویم که این سریال، تنهاسریالی است که می‌تواند سلیمان سال در چندین فصل ادامه پیدا کند. چون سریالی است که قصه‌های روز اجتماع را در دل خود دارد و به نظر من باید پخش شود چون هیچ جای دنیا این بستر فراهم شده را زمین نمی‌گذارند. اگر تلویزیون این ریسک را کرده است که این سریال ساخته شود، پس قطعاً باید ساز دوم هم نیست که چه کسی فصل‌های بعدی را بنویسد و چه کسی کارگردانی کند. البته می‌توان مثل همه جای دنیا برای فصل‌های بعدی عیب‌یابی کرد و اگر با عوامل قبلی به نتیجه مطلوب نرسیده‌اند با عوامل و تیم دیگری آن را ادامه دهند. همان کاری که همان سالها آقای اصغر فرهادی هم کرد.

### اساساً چرا سریال‌های دنباله‌دار ساخته می‌شوند و چرا اغلب فصول جدید به همان خوبی فصول اول نیست؟

در مرحله اول چیزی در نوشتن داریم به نام خلق و زایش. کلفذ سفیدی که یک موجود در آن متولد می‌شود. موجودی که تک‌تک و ساول‌هایش زنده است و به تنهایی می‌تواند مردم را همراه کند و بنابراین اگر موفق باشد، جواب خودش را گرفته است و ادامه آن در فصل‌های بعدی، انعکاس آن است. در هیچ جای دنیا، هیچ سریالی در فصل دوم آن نیست که مردم ببینند و احساس کنند که فصل دوم چقدر بهتر از فصل یک است. اما با این حال برای فصول بعدی عیب‌یابی می‌کنند و اتفاقاً فکر دارند که این مشکلات را به حداقل برسانند.

اما چیزی که من کشف کردم این است که دلیل آن که تلویزیون اصرار دارد سریال‌های موفق و حتی نیمه‌موفق را ادامه بدهد این است که شوراهای تلویزیون بسیار سخت‌گیر هستند و تصویب کردن طرح جدید مثل عبور از هفت‌خان رستم است.

### چطور می‌توان مخاطبان را با تلویزیون آشتی داد؟

تنها توصیه‌ای که می‌توانم بکنم این است که کمی دستمان را باز بگذارند. خیلی عجیب است که سریال‌های بسیار خوب و موفق را ما در تلویزیون دیده‌ایم مثل «سلطان و شبان»، «گرگها» و «میوه ممنوعه» که امروز حتی نمی‌توانیم بازپخش آنها را ببینیم!